

به نام خدا

دعای ابو حمزه ثمالی

خدایا از تو می خواهم به حق خدایا مرا به کیفیت ادب منما، و با نقشه ای با من نیرنگ مکن، پروردگارا از کجا برایم خیری هست، درحالی که جز نزد تو یافت نمی شود، و از کجا برایم نجاتی است، درحالی که جز به تو فراهم نمیگردد، نه آنکه نیکی کرد از کمک و رحمت^۱ بلیاز شد، و نه آنکه بدی کرد و بر تو گستاخی روا داشت، و تو را خشنود نساخت از عرصه قدرت بیرون رفت. پروردگارا، پروردگارا، پروردگارا.... ۱

تو را به تو شناختم، و تو مرا بر هستی خود راهنمایی فرمود، و به سوی خود خواند، و اگر راهنمایی تو نبود، من میدانستم تو که هستی؟، سپاس خدای را که می خوانمش و او جوابم را می دهد، گرچه سستی^۱ می کنم گاهی که او مرا می خواند، و سپاس خدای را که از او درخواست می کنم و او به من عطا مٹماید، گرچه بخل می ورزم هنگامی که از من قرض بخواهد، و سپاس خدای را که هرگاه خواهم برای رفع حاجتم صدایش کنم، و هرجا که خواهم برای رازونیا^۱ با او بپرده^۱ خلوت کنم و او حاجتم را برآورد، سپاس خدای را که غیر او را نمی خوانم، که اگر غیر او را می خواندم دعایم را مستجاب نمی کرد، ۲

و سپاس خدای را که به غیر او امید نبندم، که اگر جز به او امید می بستم ناامیدم مٹمود، و سپاس^۱ خدای را که مرا بخویش و گذاشت، از این^۱ و اکرام نمود، و به مردم وا نگذاشت تا مرا خوار کنند، و سپاس خدای را که با من دوستی ورزید، درحالی که از من بلیاز است، و سپاس خدای را که بر من بردباری می کند تا آنجا که گویی مرا گناهی نیست! پروردگارم ستودهنترین موجود نزد من بوده و به ستایش من سزاوارتر است.

۳

خدایا راههای درخواست حاجتهایم را به جانب تو باز مٹیابم، و آبشخورهای امید را نزد تو پر می بینم، و یاری خواستن از فضل برای آنکه تو را آرزو کرد بلمانع می بینم، و درهای دعا را برای فریاد کنندگان گشوده مٹگرم، و می دانم که تو برای امیدواران در جایگاه اجابت، و برای دل سوختگان^۱ در کمینگاه فریادرس، و به یقین در اشتیاق به جودت، و خشنودی به قضایت جایگزینی از منع بخیلان^۱ است، و گشایشی از آنچه در دست ثروندان و دوزان، و همانا مسافر به سوی تو مسافتش نزدیک است، و تو از آفریدگانت هرگز در پرده نیست، جز اینکه کردارشان آنان را از تو محجوب نماید، من

با درخواستم آهنگ تو کردم ۴

و با حاجتم روی به تو آوردم، نیاز خواهی ام را به پیشگاه تو قرار دادم، و خواندت را دست‌آویز خویش نمودم؛ بدانکه مستحق شنیدن خواهش‌م، و شایسته گذشت از من باش، بلکه برای اطمینان به کرم، و آرامش به درستی وعده ات، و پناه‌جستن به ایمان به یگانگی ات و یقین به معرفت که مرا پروردگاری جز تو نیست، و معبودی جز تو نیست، یگانه و بی شریک. خدایا تو گفتی و گفتارت بر حق، و وعده ات درست است؛ فرمود: [از فضل خدا بخواهید که خدا به شما مهربان است، ای آقای من در شأن تو این نیست که دستور به درخواست دهی و از بخشش خودداری کنی، تو با عطا‌هایت بر اهل مملکت بسیار کریمی، ۵

و بر آنان با محبت و رأفت بسیار احسان کننده ای. خدایا مرا در کودکی در میان نعمتها و احسانت پروریدی، و در بزرگسالی نامم را بلند آوازه ساختی؛ آنکه مرا در دنیا به احسان و فضل نعمت‌هایش پرورید و برایم در آخرت به گذشت و کرمش اشاره نمود، ای مولای من معرفتم راهنمایم به سوی تو، و عشقم به تو واسطه ام به پیشگاه تو، من از دلیلم به دلالت تو مطمئنم، و از واسطه ام به شفاعت تو در آرامشم، ای آقایم تو را به زبانی می خوانم که گناهش او را ناگویا نموده، و با دلی با تو مناجات می کنم که جرمش او را هلاک ساخته، تو را می خوانم ای پروردگارم در حال هراس و اشتیاق و امید و بیم، مولای من هرگاه گناهانم را می بینم بی تاب ملگرم، و هرگاه کرمت را مشاهده می کنم، به طمع می افتم، ۶

پس اگر از من درگذری بهترین رحم‌کننده ای، و اگر عذاب کنی ستم نکرده ای، خدایا حجت من؛ در گستاخی بر درخواست از تو، با ارتکاب آنچه از آن کراهت داری جود و کرم توست، و ذخیره ام در سختیها با کمی حیا همانا رأفت و رحمت توست، و امیدم بر آن است که بین حجت و ذخیره ام آرزویم را نومید نکنی، پس امیدم را تحقق بخش، و دعایم را بشنو، ای بهترین کسی که خواننده ای او را خوانده، و برترین کسی که امیدواری به او امید بسته‌ای، آقای من آرزویم بزرگ شده، و کردارم زشت گشته، پس به اندازه آرزیم از عفو به من ببخش، و به زشتترین کردارم مرا سرزنش مکن، زیرا کرم برتر از کیفر گنهکاران و بردباریت بزرگتر از مکافات تبه‌کاران است،

۷

و من ای آقایم پناهنده به فضل توام، گریزان از تو به سوی توام، خواستار تحقق چیزی هستم که وعده کرده، و آن گذشت تو از کسی که گمانش را به تو نیکو کرده، چه

هستم من ای پروردگارم، و اهمیت من چیست؟ به فضلت مرا ببخش، و به گذشتت بر من صدقه بخش، پروردگارا مرا به پرده پوشی ات بیوشان، و از توبیخم به کرم ذات درگذر، اگر امروز جز تو بر گناهم آگاه می شد، آن را انجام نمی دادم، و اگر از زود رسیدن عقوبت می ترسیدم، از آن دوری می کردم، گناهم نه به این خاطر بود که تو سبکترین بیندگانی و بلمقدارترین آگاهان، بلکه پروردگارا از این جهت بود که تو بهترین پرده پوش، و حاکمترین حاکمان، و کریمترین کریمانی، [۸](#)

پوشنده عیبها، آمرزنده گناهان، دانای نهانها، گناه را با کرمت می پوشان، و کيفر با بردباری ات به تاخیر می افکن، سپاس تو را سزااست بر بردباری ات پس از آنکه دانسته و بر گذشتت پس از آنکه توانسته، بردباری ات مرا به جانب گناه می کشد و بر نافرمانی ات جرأت می دهد، پرده پوشی ات بر من مرا به کمحیایی می خواند، و شناختم از رحمت گسترده و بزرگی عفو، تبه من در تاختن بر محرمات سرعت می دهد! ای شکيبا، ای گرامی، ای زندهای ای به خود پایندهای آمرزگار، ای توبه پذیر، [۹](#)

ای بزرگ نعمتای دیرینه احسان، پرده پوشی زیبایت کجاست، گذشت بزرگت کجاست، گشایش نزدیکت کجاست، فریادرسی زودت کجاست، رحمت گسترده ات کجاست، عطاهاى برترت کجاست، موهبتهاى گوارایت کجاست، جایزه های شایانت کجاست، فضل بزرگت کجاست، عطای عظیمت کجاست، احسان دیرینه ات کجاست، کرمت کجاست، ای کریم، به حق کرم تو «به محمد و خاندان محمد» مرا رهایی بخش، و به رحمت مرا خلاص کن، ای نیکوکار، ای زیباکار، [۱۰](#)

ای نعمتدای فزونی بخش، من آن نیستم که در رهایی از کيفرت بر اعمالمان تکیه کنم، بلکه به احسانت بر ما اعتماد دارم، چرا که تو اهل تقوا و مغفرت، از باب نعمتدای ابتدای به احسان می کن، و از جهت کرم از گناه در میگذر، پس نمی دانم از چه سپاس گویم، از زیبایی که ملگستران، یا کار زشتی که می پوشان، یا بزرگ آزمونی که آزمودی و شایسته نیکی نمود، یا آن همه مشکلی که مرا از آن رها نیدی، و سلامت کامل بخشیدی؟! ای محبوب آنکه به تو دوستی ورزید، ای نور چشم کسی که به تو پناه آورد و برای رسیدن به تو از دیگران گسست، تو نیکوکاری! [۱۱](#)

و ما بدکارانیم، به زیبایی آنچه نزد توست، از زشتی آنچه پیش ماست درگذر، پروردگارا کدام جهلی است که اُجود تو گنجایش آن را نداشته باشد، و کدام زمان طولانی تر از مهلت دادن توست، در کنار نعمتهایت ارزش اعمال ما چیست، چگونه اعمال خود را بسیار انگاریم، تا با آنها با کرمیت برابری کنیم، بلکه چگونه بر گنهگاران تنگ شود آنچه از رحمتت اُشاملشان شده؟ ای گسترده آمرزشهای گشاده‌دست به رحمتای آقای من به عزّت سوگند، اگر مرا برانی اُز درگاهت دور نخواهم شد، و از چاپلوسی و تملق نسبت به تو دست نخواهم کشید، به خاطر شناختی که به جود و کرمیت اُپیدا کرده ام، تو انجام دهی آنچه را که خواهی، هر که را بخواهی عذاب می کنی به هرچه که بخواهی و به هر صورتی که بخواهی، و رحم می کنی هر که را بخواهی، به هرچه که بخواهی و به هر کیفیت که بخواهی، از آنچه کنی بازخواست نشود، و در فرمانروایی ات نزاع در نگیرد، و کسی در کارت اُشریکت نگیرد، [۱۲](#)

و در داوری ات با تو هم‌اورد نشود، و در تدبیرت احدی بر تو اعتراض نکند، آفرینش و فرمان اُتوراست، منزّه است خدا پروردگار جهانیا، پروردگارا این است جایگاه کسی که به پناهت آمد، و به کرمیت پناهنده گشت، و به احسان و نعمتهایت الفت جست، تویی آن سخاوتمندی که گذشتت به تنگی نمی رسد، و احسانت اُکاهش نمی پذیرد، و رحمتت کم نمی شود، و به یقین از چشم پوشی دیرینه، و فضل اُبزرگت، [۱۳](#)

و رحمت گسترده ات اعتماد نمودیم، آیا ممکن است پروردگارا برخلاف گمانهای ما به خویش رفتار کنی، یا آرزوهایمان را نسبت به رحمتت نومید سازی اُهرگز ای بزرگوار، چنین گمانی به تو نیست، و طمع ما درباره تو این چنین نمی باشد، پروردگارا، ما را درباره تو آروزی طولانی بسیاری است، ما را در حق تو امید بزرگی است، از تو نافرمانی کردیم و حال آنکه امیدواریم گناه را بر ما بپوشانی، و تو را خواندیم، و امیدواریم که بر ما اجابت اُکنی، مولای ما امیدمان را تحقق بخش، ما دانستیم که با کردارمان سزاوار چه خواهیم بود، ولی دانش تو درباره ما، و آگاهی ما به اینکه ما را از درگاهت نمیراند، گرچه ما سزاوار رحمت نیستیم ولی تو شایسته آنی که بر ما و بر گنهکاران به فضل گسترده ات جود کنی، [۱۴](#)

پس آنگونه که شایسته آنی بر ما منت گذار، و بر ما جود کن، که ما نیازمند به عطای تویم، ای آمرزگار، به نور تو هدایت شدیم، و به فضل تو بلایاز گشتیم، و به نعمتت بامداد نمودیم اُو شامگاه کردیم، گناهان ما پیش روی توست، خدایا از گناهانمان از تو آمرزش می خواهیم، و به سوی تو باز میگردیم، تو با نعمتها به ما مهر می ورزی و ما با گناهان با تو مقابله می کنیم، خیرت به سوی ما سرازیر است، و بدی ما به سوی تو

بالا ملأید، همواره فرشته^۱ کریم، از ما کردار زشت به جانب تو ملأید، و این امر مانع نمی شود از اینکه ما را با نعمتهای فراگیری، و به عطاهای برجسته ات بر ما تفضل نمای، منزهی تو، چه بردبار و بزرگ و کریمی، [۱۵](#)

آغاز کننده به نیکی و تکرار کننده آن، نامهای مقدس و ثنای عظیم، و رفتارها و کردارهای کریمانه است، خدایا، فضل^۱ گسترده^۲، و بردباری ات بزرگتر از آن است که مرا به کردار ناپسند و خطاکاری ام بسنج، پس گذشت نما، گذشت نما، گذشت نما، آقای من^۱ آقای من^۲ آقای من^۳. [۱۶](#)

ما را به ذکر مشغول کن، و از خشم پناه ده، و از عذاب^۱ نجات بخش، و از مواهبت روزی کن، و از فضل بر ما انعام فرما، و زیارت خانه ات، و زیارت مرقد پیامبرت را روزی ما کن، صلوات و رحمت و مغفرت و رضوانت بر پیامبر و خاندانش، تو نزدیک و جواب^۱ دهنده هست، عمل به طاعتت را روزی ما گردان، و ما را بر دینت و بر روش پیامبرت^۱ (درود خدا بر او و خاندانش) بمیران. خدایا من و پدر و مادرم را بیامرز و به هر دو آنها رحم کن، چنانکه مرا به گاه کودکی پروردند، احسان^۱ هردو را به احسان، و بدیهایشان را به آمرزش پاداش ده. [۱۷](#)

خدایا مردان و زنان مؤمن را بیامرز، چه زنده و چه مرده آنها را، و بین ما و آنان با نیکیها پیوند ده. خدایا بیامرز زنده و مرده ما را، حاضر و غائب ما را، مرد زن ما را، کوچک و بزرگ ما را، آزاد و غیر آزاد ما را، برگشتگان از خدا دروغ^۱ گفتند، و گمراه شدند گمراهی دور، و زیان کردند، زیانی آشکار. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و برایم ختم به خیر فرما، و مرا از آنچه که بفرارم کرده از کار دنیا و آخرتم کفایت کن، و کسی که مرا رحم نمی کند بر من چیره مساز، و بر من از سوی خود نگهبانی همیشگی قرار ده، [۱۸](#)

و از من شایسته های آنچه را که انعام کردی بگیر، و از فضل روزی گسترده حلال پاکیزه نصیب من کن. خدایا به نگهبانی ات مرا نگهبانی کن، و به نگهداری ات مرا نگهدار و به پاسداری ات از من پاسداری فرما، و زیارت خانه ات را در این سا و در هر سال، و زیارت^۱ مرقد پیامبرت و امامان (درود بر آنان) را روزی من کن، پروردگارا از این مشاهد پر شرف و مواقف بس گرامی^۱ مرا محروم مساز. [۱۹](#)

خدایا به من روی آور تا نافرمانی ات نکنم و خیر و عمل به آن وحشت از خویش را در شب و روز، تا گاهی که زنده ام می داری ای پروردگار جهانیان به من الهام فرما. خدایا هرگاه گفتم مهیا و آماده شدم و در پیشگاهت به نماز ایستاد و با تو راز گفتم، چرتی بر من افکند، آنگاه که وارد نماز شدم و حال راز گفتن را از من گرفتی آنگاه که با تو رازونیاز کردم، مرا چه شده؟ هرگاه گفتم نهانم شایسته شد، و جایگاهم به جایگاه توبهکنندگان نزدیک گشته برایم گرفتاری پیش آمد، بر اثر آن گرفتاری پایم لغزید، و میان من و خدمت به تو مانع شد [۲۰](#)

سرور من شاید مرا از درگاهت رانده ادو از خدمتت عز نموده ادیا مرا دیده ای که حقت را سبأ می شمارم پس از پیشگاهت دورم ساختنیا شاید مرا رولگردان از خود مشاهده کرد، پس مرا مورد خشم قرار دادی یا شاید مرا در جایگاه دروغگویان یافت، پس به دورم انداختنیا شاید مرا نسبت به نعمتهایت ناسپاس دید، پس محرومم نمودنیا شاید مرا از همنشینی دانشمندان غایب یافت، پس خوارم نمودنیا شاید مرا در گروه غافلان دید، پس از رحمتت ناامیدم کردنیا شاید مرا انس یافته با مجالس بیکاره ها دید، پس مرا به آنان وا گذاشتنیا شدی دوست نداشتی دعایم را بشنوی پس دورم نمودنیا شاید به خاطر جرم و جنایتم کیفرم نمودی، [۲۱](#)

یا شاید برای کمی احوایم از تو مجازاتم نمود، پس اگر پروردگارا عفو کند، سابقه اینکه از گناهکاران پیش از من گذشته ای طولانی است، زیرا کرمات پروردگارا از مجازات اهل تقصیر بسیار بزرگتر است و من پناهنده به فضل تو، اما از تو به تو گریزانم، خواهان چیزی هستم که وعده داده ادو آن چشمپوشی از کسانی است که به تو گمان نیک برده اند، خدایا فضل تو گستردهتر و بردباری ات بزرگتر از آن است که مرا به کردارم بسنجنیا به خطایم بلغزاننای آقام من چیستم و چه ارزشی دارم، سرور من مرا به فضلت ببخش، [۲۲](#)

و با گذشت بر من کرم فرما، و به پردهپوشی ات خطاهایم را بیوشانو به کرم وجودت از توبیخم درگذر، آقای من منم کودکی که پرورید، منم نادانی که دانا نمود، منم گمراهی که هدایت کرد، منم افتاده ای که بلندش نمود، منم هراسانی که امانش داد، و گرسنه ای که ا سیرش نمود، و تشنه ای که سیرابش کرد، و برهنه ای که لباسش پوشاند، و تهیدستی که توانگرش ساخت، و ناتوانی که نیرومندش نمود، و خواری که عزیزش فرمودی، [۲۳](#)

و بیماری که شفایش دادی، و خواهشمندی که عطایش کرد، و گنهکاری که گناهش

را بر او پوشاند، و خطاکاری که نادیده اش گرفت، و اندکی که بسیارش فرمود، و ناتوان شمرده ای که یاری اش داد، و رانده شده ای که مأوایش بخشید، من پروردگارا کسی هستم که در خلوت از تو حیا نکردم، و در آشکار از تو ملاحظه ننمودم، منم صاحب مصیبت‌های بزرگ، منم آنکه بر آقایش گستاخی کرد، منم آنکه جبار آسمان را نافرمانی کرد، منم آنکه بر معاصی بزرگ رشوه دادم، منم آنکه هرگاه به گناهی مژده داده می شدم شتابان به سویش می رفتم، منم آنکه مهلتم دادی باز نایستادم، و بر من پرده پوشاندی حیا نکردم، و مرتکب گناهان شدم و از اندازه گذراندم ^{۲۴}

و مرا از چشم انداخت، اهمیت ندادم، پس با بردباری ات مهلتم داد، و با پرده‌پوشی ات مرا پوشاندی تا آنجا که گویی مرا از یاد برده ای، و از مجازات گناهان برکنارم داشته ای، گویا تو از من حیا کرده ای! خدایا، آنگاه که نافرمانی کردم نافرمانی ات نکردم چنانکه پروردگاری ات باشم، و نه چنانکه سبک شمارنده فرمانت باشم، و نه با گستاخی در معرض کيفرت قرار گیرم، و نه تهیدست را ناچیز شمارم، ولی خطایی بود که بر من عارض شد و نفسم آن را برایم آراست، و بدبختی ام مرا بر آن یاری نمود، و پرده افتاده ات بر من مغرورم نمود، در نتیجه با کوشش نافرمانی ات نمودم و به مخالفت برخاستم اکنون چه کس مرا از عذابت نجات می دهند، و فردا از چنگ ستیرهای جویان و دشمنی کنندگان چه کسی رهایم می کند، ^{۲۵}

و به رشته چه کسی پیوندم اگر تو رشته ات را از من بگسل، مرا چه رسوایی بزرگی است از آنچه کتاب تو از کردارم در شمار آورده، اگر امیدوار به کرم فراوانی رحمت نبوده، و هم اینکه مرا از ناامیدی نهی نموده ای هرآینه ناامید می شدم به هنگامی که گناهانم را بیاد می‌آوردم، ای بهترین کسی که خواننده ای او را خواند، و برترین کسی که امیدواری به او امید بست، خدایا به پیمان اسلام به او تو توسل ملجئیم، و به حرمت قرآن بر تو تکیه می کنم، و به محبت نسبت به پیامبر درس ناخوانده قریشی هاشمی عربی تهامی مکی مدنی، همجواری نزد تو را امید ملئیم، پس انس ایمانی مرا در عرصه وحشت نینداز، ^{۲۶}

و و پاداش مرا، پاداش کسی که غیر تو را عبادت کرده قرار مده، چه اینکه مردمی به زبان‌شان ایمان آوردند تا جان‌شان را به این وسیله حفظ کنند، پس به آنچه آرزو داشتند رسیدند، و ما با زبان و دلمان به تو ایمان آوردیم، تا از ما درگذر، پس ما را به آنچه آرزو مندیم برسان، و امیدت را در سینه هایمان استوار کن، و دل‌هایمان را پس از آنکه هدایت‌مان فرمودی گمراه مکن، و از جانب خود ما را ببخش، که تو بسیار بخشنده ای، به عزتت سوگند اگر مرا برانداز درگاهت نخواهم رفت، و از چالپوسی نسبت به تو

باز نخواهم ایستاد، به خاطر الهامی که از معرفت به کرمّت و گستردگی رحمتت به قلب من شده، بنده به جانب چه کسی جز مولایش می رود؟ و آفریده به چه کسی جز آفریدگارش پناه می برد؟ [۲۷](#)

دایا، اگر مرا با زنجیر ببند، و عطایت را در میان مردم از من بازدار، و بر رسواییهایم دیدگان بندگان را بگشای، و مرا به سوی دوزخ فرمان دهی، و بین من و نیکان پرده گرد، امیدم را از تو نخواهم برید، و آرزویم را از عفو تو باز نخواهم گرداند، و محبتت از قلبم بیرون نخواهد رفت، من فراوانی عطایت را نزد خود، و پرده پوشی ات را در دار دنیا بر گناهانم فراموش نخواهم کرد، ای آقای من محبت دنیا را از دلم بیرون کن، و میان من و مصطفی پیامبرت و خاندانش، بهترین برگزیدگان از آفریدگانت و پایانبخش پیامبران محمد (درود خدا بر او و خاندانش) جمع کن، [۲۸](#)

و مرا به مقام توبه به پیشگاهت برسان، و هر گریه بر خویشتن مرا یاری ده، من عمرم را به امروز و فردا کردن و آرزوهای باطل نابود ساختم، و اینک به جایگاه به ناامیدان از خیر و صلاح فرود آمده ام، پس بد حالتر از من کیست؟ اگر من بر چنین حالی به قبرم وارد شوم، قبری که آن را برای خواب آماده نساخته ام، و برای آرمیدن به کار نیک فرش ننموده ام، و مرا چه شده که گریه نکنم، و حال آنکه نمیدانم بازگشت من به جانب چه خواهد بود، من نفسم را ملنگرم که با من نیرنگ می بازد، و روزگار را مشاهده می کنم که مرا ملقربید، و حال آنکه بالهای مرگ بالای سرم به حرکت درآمده، پس مرا چه شده که گریه نکنم، گریه می کنم برای بیرون رفتن جان از بدنم، گریه می کنم برای تاریکی قبرم، گریه می کنم برای تنگی لحدم، گریه می کنم برای پرسش دو فرشته قبر منکر و نکیر از من، [۲۹](#)

گریه می کنم برای درآمدنم از قبر عریان و خوار، درحالی که بار سنگینی را بر دوش می کشم، یک بار از طرف راست و بار دیگر از جانب چپم نگاه می کنم، هنگامی که مردمان در کاری جز کار منند، چه برای هرکسی از آنان در آن روز کاری است که او را بس است، چهره هایی در آن روز روشن و خندان خوشحالاند، و چهره هایی در آن روز بر آنها غبار بدفرجامی نشست، و سیاهی و خواری آنها را پوشانده، ای آقای منتکیه و اعتماد و امید و توکل بر تو، و آویختنم بر رحمت توست، هرکه را خواهی به رحمتت رساند، و با کرامتت هرکه را دوست داری هدایت کن، پس تو را سپاس بر اینکه قلبم را از شرک پاک نمود، و برای تو سپاس بر گشودن زبانم، آیا با این زبان کندم تو را شکر کنم، [۳۰](#)

یا با نهایت کوشش در کارم تو را خشنود نمایم، پروردگارا ارزش زبانم در کنار شکرست چیست، و قیمت کارم در برابر نعمت‌های تو و احسانت چه اندازه است؟! خدایا، جودت آرزویم را گسترده، و سپاست عملم را پذیرفتای آقای من میلم به سوی توست، و ترسم از جانب توست، و آرزویم به پیشگاه توست، آرزویم مرا به سوی تو رسانده و هم‌تنم بر درگاه تو ای خدای یگانه معتکف شده، و رغبتم در آنچه نزد توست فزونی یافته، امید خالص و بیمم برای توست، و محبتم به تو انس گرفته، و دستم را به جانب تو انداختم، و ترسم را به سوی رشته طاعت تو کشیدم، ای مولای من دلم به یاد تو زندگی کرد، و با مناجات با تو آتش هراس را بر خود سرد نمودم، ای مولایم و ای آرزویم و ای نهایت خواسته ام، میان من و گناهانم جدایی انداز، گناهی که بازدارنده من از ملامت طاعت توست، تنها از تو درخواست می‌کنم، به خاطر امید دیرینه به تو، و بزرگی طمع از تو، که از مهر و رحمت بر خود واجب کرده ای، پس فرمان تو راستی‌گانه ای و شریکی نداری، ۳۱

و همه خلق جیره‌خوار تو، و در دست قدرت تو، و هر چیز برای تو فروتن است، منزهی تو ای پروردگار جهانیان، خدایا به من رحم کن آنگاه که حجتم بریده شود، و زبانم از پاسخت ناگویا گردد، و به هنگام بازپرسی ات هوش از سرم برود، ای بزرگ امیدم، زمانی که بیچارگی ام شدت گیرد محرومم مکن، و به خاطر نادانی ام از درگاهت مرانو به علت کم تابی ام از رحمتت دریغ مفرما، به جهت تهیدستی ام عطایم کن، و به خاطر ناتوانی ام به من رحم کن، آقام اعتماد و تکیه، امید و توکلم بر توست، و آویختنم به رحمت توست، و بارم را به آستان تو اندازم، و خواسته ام را به جود و کرم تو جویم، پروردگارا دعایم را آغاز می‌کنم، و رفع تنگدستی ام را به تو امید می‌بندم، و به توانگری تو ناداری ام را جبران می‌کنم، و ایستادنم زیر سایه عفو توست، و به جانب جود و کرمت دیده ام را بلند می‌کنم، و به سوی احسانت نگاهم را ادامه می‌دهم، ۳۲

پس مرا به آتش مسوزان، و حال آنکه تو جایگاه آرزوی من، و در دوزخ جایم مده که تو نور چشم من، ای آقای من گمانم را به احسان و نیکی ات تکذیب مکن که تویی مورد اطمینانم، و از پاداشت محرومم مگردان که تو عارف به تهیدستی من، خدایا اگر مرگم فرا رسیده و کردارم مرا به تو نزدیک نکرده پس اعتراف به گناهانم را به پیشگاهت وسیله عذرخواهی ام قرار دادم. خدایا اگر گذشت کنسپس سزاوارتر از وجود تو به گذشت کیست، و اگر عذاب نمایی پس دادگرت از تو در داوری کیست؟ بدراین دنیا به غربت، و به گاه مرگ به سختی جان دادم، و در قبر به تنهایی ام، و در لحد به هراسم رحم کن، و زمانی که برای حساب در برابرت برانگیخته شدم و به خواری

جایگاهم رحمت آور، و آنچه از کردارم بر انسانها پوشیده مانده بیامرز، ۳۳

و آنچه را که مرا به آن پوشاندی تداوم بخشو به من در حال افتادن در بستر مرگ که دستهای دوستانم مرا این طرف و آن طرف کند رحم فرما، و به من محبت فرما در آن حال که روی تخت غسلخانه به صورت درازا افتاده ام، و همسایگان شایسته مرا به این سو و آن سو برملاگردانند بر من تفضل کن، و در وقت حمل شدنم که بستگانم گوشه های جنازه ام را به دوش برداشته اند، و در حالت حمل شدنم، که تنها در قبرم وارد پیشگاه تو شده ام بر من جود نما، و در این خانه جدید بر غربتم رحم کن، تا به غیر تو انس نگیرم ای آقای مناگر مرا به خودم واگذاری هلاک شده ام، ۳۴

ای آقای مناگر لغزشم را نادیده نگری از چه کسی فریادرسی خواهی، و به چه کسی پناه ببرم اگر عنایتت را در آرامگاهم نداشته باشم، و به چه کسی التجا برم اگر غم و اندوهم را برطرف نکنی؟ ای آقای من که را دارم و چه کسی بر من رحم می کند، اگر تو به من رحم نکنی، و احسان که را آرزو کنم، اگر احسان تو را روز بیچارگی ام نداشته باشم، و گریز از گناهان به سوی کیست، وقتی که عمرم سرآید؟ ای آقای من، مرا عذاب مکن که امید به تو دارم، خدایا امیدم را تحقق بخش، و ترسم را ایمنی ده، زیرا من در عین فراوانی گناهانم امیدی جز به گذشت تو ندارم، ای آقای من چیزی را از تو درخواست دارم که شایسته آن نیستم، و تو اهل تقوا و آمرزش، پس مرا بیامرز، و جامه ای از لطفت بر من بپوشان، که گناهانم را بر من بپوشاند، و آنها را بیامرزی و نسبت به آنه بازخواست نشوم، که تو داری کرم دیرینه، و چشم پوشی بزرگ و گذشت کریمانه ای. ۳۵

خدایا تویی که عطایت را پی در پی فرو ریز، بر کسی که از تو درخواست نمی کند، و بر آنانکه منکر پروردگاریت هستند، چه رسد آقای من بر کسی که از تو خواهش کرده و یقین نمود که آفرینش از تو و فرمان تنها به دست توست، منزّه و والایی ای پروردگار جهانیان، ای آقای من بنده ات به درگاه توست، تنگدستی او را پیش رویت قرار داده با دعایش در خانه احسانت را می کوبد، پس روی کریمانه ات را از من برمگردان، و آنچه ملگویم از من بپذیر، من تو را به این دعا خواندم، امید دارم که به خاطر معرفتم به رأفت و مهتر مرا باز نگرداند. خدایا تویی آنکه پرسنده ای ناتوانت نکند، و عطاگیری از تو نکاهد، تو چنانی که خود گوید، و بالاتر از آنچه ما ملگویم.

۳۶

خدایا از تو صبری زبنده، و گشایشی نزدیک و گفتاری درست و مژدی بزرگ

درخواست میکنم^۱ پروردگارا از خیر تمامش را از تو می خواهم، آنچه را از آن دانسته ام و آنچه را ندانسته ام، خدایا از تو می خواهم بهترین چیزهایی را که^۱ بندگان شایسته ات از تو خواستند، ای بهرترین کسی که از او خواسته می شود، و سخی ترین کسی که عطا فرمود، خواسته ام را در حق خودم و خانواده ام و پدر و مادرم و فرزندانم و خاصانم و برادران دینی ام به من عطا کن، زندگی ام را گوارا گردان، مروت^۱م را آشکار ساز، و همه احوالم را اصلاح کن، و مرا از کسانی قرار ده که عمرش را طولانی کرده و کردارش را نیکو ساخته و نعمت را بر او تمام کرده و از او خشنود شده و او را به زندگانی پاکیزه زنده داشته، در بادوامترین خوشیها، و کاملترین کرامتها و کاملترین زندگیها،

۳۷

همانا تو هرچه را بخواهی انجام می دهی و جز تو هرچه را بخواهد توان انجام آن را ندارد. خدای از جانب خود مرا به ذکر خاص^۱ اختصاص ده، و چیزی از آنچه که به وسیله آن به تو تقرّب ملجّویم را در هم اوقات شب و روز وسیله ریا و شهرت^۱خواهی^۱ و هوسرانی و طغیانگری قرار مده، و مرا از خاشعان درگاهت بگردان، خدای از تو می خواهم که به من عطا کن: گشایش در روزی^۱ امنیت در وطن، نوز چشم در خانواده و مال و اولاد، و پایداری در نعمتهایی که نزد من است، و تندرستی در جسم، و توانمندی در بدن، و سلامت در دین، و مرا به طاعت و طاعت^۱ رسولت محمد که درود خدا بر او و خاندانش باد، به کار گمار، همیشه و تا هنگامی که عمرم داده ادو مرا از پر نصیبت^۱ترین بندگان در نزد خود قرار ده، پر نصیبت^۱ در هر خیری که فرو فرستاده و در ماه رمضان در شب قدر نازل می کنی، ۳۸

و نازل کننده آنی در هر سال، لاز رحمتی که ملگستر^۱ و عافیتی که ملپوشان^۱ و بلایی که دفع می کنی، و خوبیهایی که ملپذیری، و بدیهایی که از آن درملگذری، و در این سال و هر سال زیارت خانه ات را نصیبم فرما، و از فضل گسترده ات روزی فراخ ارزانی من کن، و بدیها را ای آقای من از من برگردان، و بدیه مرا بپرداز و جبران ستمهایی که بر عهده من است را ادا فرما تا به خاطر چیزی از آنها آزار نبینیم و گوشها و دیدگان^۱ دشمنان و حسودان و متجاوزان بر من را از من برگیر، و مرا بر آنان پیروز کن، و چشمم را روشن فرما، و دلم را شادی بخش^۱ ۳۹

و برایم از اندوه و غم گشایش و بیرون^۱ قرار ده، و هرکه از میان مخلوقات نسبت به من به بدی^۱ قصد کرده، و زیر گامم قرار ده، و مرا از گزند شیطان و گزند پادشاه و

بدیهای کردارم کفایت کنو از همه گناهان پاکم فرما، و به گذشتت از آتش امانم ده، و به رحمتت به بهشت واردم کنو به احسانت از حور العین به همسری ام درآور، و مرا به دوستان شایسته ات محمد و خاندانش آن خوبان و نیکان پاکیزه و پاک ملحق کن، درود بر آنان و بر تنها و جانهایشان، و رحمت خدا و برکاتش بر ایشان، خدای ای آقای من، به عزت و جلالت سوگند، اگر مرا به گناهانم پلجویی کن، من تو را به عفو پی ملجویم و اگر مرا به پستی ام تعقیب نمای، من تو را به کرمی می خواهم، [۴۰](#)

و اگر به دوزخم دراندازی اهل دوزخ را به محبتم به تو آگاه می سازم. خدایم و آقایم اگر جز اولیا و اهل طاعتت را نیامرز، پس گنهکاران به چه کسی پناه برند، و اگر جز اهل وفا را اکرام ننمای، پس بدکاران از چه کسی فریادرسی خواهند؟، خدایا اگر مرا وارد دوزخ کنی این موجب خرسندی دشمن توست، و اگر مرا به بهشت وارد نمای، این سبب خوشحالی پیامبر توست، و من به خدا سوگند این را می دانم، که دلشادی پیامبرت نزد تو، از خرسندی دشمنت محبوبتر است. [۴۱](#)

خدایا از تو درخواست می کنم که دلم را از محبت و خشیتت، و باور به کتابت، و ایمان به وجودت، و هراس از حضرتت، و اشتیاق به ذاتت پر کنی، ای دارای بزرگی و بزرگواری، دیدارت را محبوب من کنو تو نیز مرا محبوب خود بدار، و در لقاییت برای من آرامش و گشایش و کرامت قرار ده. خدایا مرا به شایستگان از بندگان گذشته ات ملحق ساز، و از شایستگان از آنالکه در آینده اند قرار ده، و مرا بر راه شایستگان نگاهدار، و بر مخالفت با خواسته های نفسم یاری ده، آنگونه که شایستگان را بر مخالفت با خواسته های نفسانی یاری می دهی، و کردارم را به نیکوترین وجه ختم کنو پاداشم را در کارها به برکت رحمتت بهشت قرار ده، و بر شایسته ای آنچه عطا کردی یاری ام نما و ثابت قدم کن، پروردگارا، و در ورطه بدیهایی که از آنها نجاتم دادی باز مگردانای پروردگار جهانیان. [۴۲](#)

خدایا ایمانی از تو درخواست می کنم، که پایانی جز دیدار تو نداشته باشد، بر آن ایمان پایدارم بدار تا زنده ام می داری و بر آن بیمران زمانی که مرا میمراند، و بر آن برانگیز، هنگامی که مرا برمی انگیزی، و دلم را از ریا و شک و شهرتخواهی در دینت پاک فرما، تا عملم برای تو حالص باشد. خدایا از تو می خواهم که به من عطا کن: بصیرت در دینت، و فهم در فرمانت، و آگاهی در علمت، و دو نصب از رحمتت، و پرهیزی که مرا از نافرمانیهایت بازدارد، و رخسارم را به فروغ نورت سپید کنو رغبتم را در آنچه نزد توست قرار ده، و در راه خود و بر آئین پیامبرت، درود خدا بر او و خاندانش، بمیران.

خدایا به تو پناه منم از کسالت و سرافکندی و اندوه و ترس و بخل و بی خبری و سنگدلی و ناداری و تهیدستی و بیچارگی و همه بلاها و زشتیهای آشکار و پنهان و به تو پناه منم از نفسی که قانع نمی شود، و از شکمی که سیر نمیگردد، و از قلبی که فروتنی نمی کند، و دعایی که به اجابت نمی رسد، و کرداری که سود نمی بخشد، پروردگارا برای حفظ جان و دین و مال و آنچه که نصیب من فرموده اند از شیطان رانده شده به تو پناه منم، همانا تو شنوا و دانایی. [۴۴](#)

خدایا به یقین جز تو احدی مرا پناه نمی دهد، و به جز تو پناهگاهی نمیابم، پس هستی ام را در دامن عذابت قرار نده، و به هلاکت و شکنجه دردناک باز نگردان. خدایا از من بپذیر و نامم را پرآوازه کن، و درجه ام را بالا ببر، و بار گناهم را بریز، و مرا به اشتباهم یاد مکن، و پاداش به عبادت نشستن و گفتار و دعایم را خشنودی و بهشت قرار ده، پروردگارا، همه آنچه را از تو خواستم به من عطا فرما، و از احسانت بر من بیفز، من مشتاق توام، ای پروردگار جهانیان، [۴۵](#)

خدایا تو خود در قرآن فرمودی که از کسی که به ما ستم روا داشته گذشت کنیم، و ما بر خود ستم ورزیدیم، پس از ما درگذر، که حضرتت به گذشت از ما، شایسته تر از ماست، و هم فرمان دادی که فقیری را دست خالی از در خانه هایمان نرانیم، و من اکنون به گدایی از تو به درگاهت آمدم، پس مرا جز با روا شدن حاجتم باز نگردان و نیز به نیکی درباره بردگانمان امر فرمودی، و هم اینک ما بردگان تویم، پس ما را از آتش دوزخ برهان، ای پناهگاهم به وقت غم و اندوه، ای فریادرس به هنگام سختی، به تو پناه آوردم، و از تو فریادرسی خواستم، و جز به تو پناه منم از تو درخواست گشایش نمی کنم، پس به فریادم رس و گشایشی در کارم قرار ده، ای که اسیر را آزاد می کنی، و از گناه فراوان مگذر، از من عمل اندک را بپذیر، و از گناه بسیارم درگذر، همانا تو مهربان و آمرزنده. خدایا ایمانی از تو می خواهم که دلم با آن همراه شود و باور صادقانه ای که بدانم هرگز چیزی به من نمی رسد، مگر آنچه که تو برایم ثبت کردی و مرا از زندگی به آنچه که نصیبم فرمودی خشنود بدار، ای مهربانترین مهربانان. [۴۶](#)